

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا
سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۲۴، پیاپی ۱۱۴، زمستان ۱۳۹۳

بررسی روابط تجاری ایران و کمپانی هند شرقی انگلستان در دوره‌ی زندیه، براساس تئوری سیستمی

محمد کریم یوسف جمالی^۱

سهیلا ترابی فارسانی^۲

هدایت بهنام پور^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۷

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۴/۴

چکیده

انطباق نظریات جامعه‌شناسی با موضوعات تاریخی، با دشواری‌هایی که دارد، کاری است که تاریخ‌نگاری جدید باید برای پویایی و پرهیز از فقط نقل رویدادهای تاریخی درپیش گیرد و از نتایج مطالعات رشته‌های دیگر، به‌ویژه جامعه‌شناسی، استفاده کند. در این راستا، تئوری سیستمی جایگاه مهمی در تبیین و تحلیل مناسب

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد

yousef_jamali2000@yahoo.com

۲. استادیار گروه تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد

Tfarsani@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری رشته‌ی تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد. behnam48h@gmail.com

رویدادهای تاریخی دارد. در این مقاله، از نگاه تئوری سیستمی روابط تجاری ایران و کمپانی هند شرقی انگلستان در دوره‌ی زندیه را بررسی می‌کنیم تا نتایج گوناگون ارتباط این دو سیستم را ارزیابی نماییم؛ بنابراین، قراردادهای مکتوب میان طرفین را اساس ارزیابی قرار داده‌ایم. در این پژوهش، نشان می‌دهیم که دولت زند و شرکت انگلیسی در رابطه‌ی تجاری، اهداف سیاسی را دنبال می‌کردند. کریم خان امیدوار بود که از راه تجارت با شرکت هند شرقی انگلیس، ضمن رونق تجارت و کسب درآمد، ثبات و امنیت را به کرانه‌های ایرانی خلیج فارس برگرداند و درمقابل، شرکت هند شرقی بریتانیا می‌خواست منافع تجارت با خلیج فارس را به خود اختصاص دهد و سایر رقیبان اروپایی را از این منطقه بیرون کند. در این بررسی، اهداف، نتایج و پیامدهای سیاسی و اقتصادی این رابطه‌ی تجاری برای طرفین را مشخص خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: تئوری سیستمی، تجارت، دولت زند، ایران، خلیج فارس، کمپانی هند شرقی انگلیس.

۱. مقدمه

موضوع بحث حاضر، بررسی روابط تجاری ایران و کمپانی هند شرقی انگلستان در دوره‌ی زندیه، براساس تئوری سیستمی است. ابتدا برای روشن شدن ذهن خواننده در مورد موضوع اصلی، مفاهیم تشکیل‌دهنده‌ی عنوان بحث را بررسی می‌کنیم. در اینجا، منظور از روابط تجاری، همه‌گونه مبادله‌ی کالا و خدمات میان طرف ایرانی و نمایندگان کمپانی هند شرقی انگلیس، اعطای امتیاز، اجازه‌ی تأسیس دفتر نمایندگی، حق کشتیرانی، اجازه‌ی عبور کالا و کاروان‌های تجاری، معافیت از پرداخت عوارض گمرکی و ... است. با آوردن قید ایران دوره‌ی زندیه و کمپانی هند شرقی انگلیس در عنوان مقاله، گذشته از محدود کردن

دایره‌ی زمانی و مکانی بحث، مصداقی عینی و معلوم برای موضوع ارائه دادیم و زمینه‌ی بررسی موضوع را فراهم کردیم.

سیستم عبارت از مجموعه اجزایی است که با هم کنش و واکنش و ارتباط متقابل دارند. نگرش سیستمی، سازمان را به صورت یک کل و یک سیستم می‌نگرد که برای درک و شناخت این کل، شناخت اجزاء و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن و روابط و کنش‌های میان اجزاء و عناصر ضروری است. پیش از پرداختن به موضوع مورد مطالعه، باید به مواردی اشاره کنیم تا چگونگی سازماندهی این تحقیق را روشن نماییم.

قرن دوازدهم هجری، دوران بی‌ثباتی و آشوب در تاریخ ایران است. دولت زندیه که در نیمه‌ی دوم قرن دوازدهم بر ایران حکومت می‌کرد، هرگز نتوانست به‌طور کامل کشور را در اختیار بگیرد و ناگزیر شیوه‌ی غالب و مرسوم حکومت ایران را پذیرفت. کریم خان زند، به‌عنوان تنها حاکم مقتدر و باثبات سلسله‌ی زند، کوشید از راه تجارت، بخشی از نابسامانی‌های ایران را سامان دهد و حاکمیت ایران را بر کرانه‌های شمالی و جزایر خلیج فارس اعمال کند.

تاکنون نسبت به بررسی روابط تجاری ایران و کمپانی هند شرقی انگلستان در دوره‌ی زندیه، براساس تئوری سیستمی، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. نوشته‌های تاریخی مرتبط با این موضوع و دوره را به‌صورت زیر دسته‌بندی می‌کنیم:

۱. برخی از این تألیفات درمورد تاریخ سلسله‌ای ایران در دوره‌ی زند هستند که بخشی را به روابط خارجی، از جمله رابطه با کمپانی‌های اروپایی، اختصاص داده‌اند.

۲. موضوع شماری از این کتاب‌ها خلیج فارس است که مطالبی نیز درمورد روابط ایران و کمپانی‌های اروپایی در قرن دوازدهم ه.ق (هجدهم م) آورده‌اند.

۳. برخی از کتاب‌ها یا مقالات به بحث روابط خارجی ایران می‌پردازند.

تا چند سال پیش، تاریخ‌نویسان ایرانی از نظریه‌های جامعه‌شناسان در تبیین تاریخ ایران، به‌ندرت استفاده می‌کردند؛ از این رو، تصمیم گرفتیم گوشه‌ای از تاریخ ایران در عصر حاکمیت زندیه را براساس نظریات و تئوری‌های علمی بررسی کنیم و از نتایج مطالعات علوم دیگر، در مطالعه‌ی تاریخ بهره بگیریم.

پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از:

۱. چرا کریم خان زند، ابتدا به ایجاد رابطه با شرکت‌های اروپایی تمایل زیادی نشان می‌داد و در مقابل نیز آن شرکت‌ها چنان رغبتی برای حضور در بازارهای ایران و خلیج فارس از خود نشان می‌دادند که حتی حاضر بودند با رقیبان اروپایی یا نیروهای محلی بجنگند؟

۲. روابط تجاری ایران با کمپانی انگلیسی چه بازده و نتایجی برای هر دو طرف داشت؟ این پژوهش نشان‌دهنده‌ی تأثیر چند متغیر بر موضوع است. متغیر اول اوضاع سیاسی ایران و تأثیر ناامنی و آشوب‌های داخلی کشور بر روابط تجاری ایران است، متغیر دوم سیاست‌های دولت زند و خاندان‌های حکومتگر کرانه‌های شمالی خلیج فارس در ایجاد رابطه با شرکت‌های اروپایی است، سیاست شرکت هند شرقی انگلیس نسبت به رقیبان اروپایی، حکومت زند و حکام محلی کرانه‌های خلیج فارس متغیر سوم و وضعیت تولید داخلی و وضع مالی مردم یا به عبارتی، میزان کشش بازار مصرف ایران، متغیر چهارم است. دولت زند و نیروهای حاضر در خلیج فارس امیدوار بودند بازده‌های فعالیت سیستم اقتصادی- تجاری در منطقه به گونه‌ای باشد که به تحکیم حضور آنان در منطقه و بقای حکومتشان یاری رساند. فرضیه‌ی اصلی تحقیق این است که حکومت زند می‌کوشید از طریق روابط تجاری با کمپانی هند شرقی انگلیس، موقعیت سیاسی حکومت خود را در برابر مدعیان و حکام محلی مخالف (میرمهنا، ملاعلی شاه و ...) تثبیت و زمینه‌ی رشد تجارت را فراهم کند. کمپانی هند شرقی انگلیس نیز امیدوار بود به کمک این رابطه، امنیت تجارت خود در خلیج فارس را تضمین و انحصار تجارت منطقه را به دست گیرد. برای آزمون این فرضیه، از منابع کتابخانه‌ای استفاده کردیم.

محدوده‌ی زمانی تحقیق، دوره‌ی حکومت خاندان زند بر ایران از سال ۱۱۶۳ تا ۱۲۰۹ ه.ق (۱۷۵۰-۱۷۹۵ م) است. این تحقیق شامل دو قسمت است؛ در قسمت اول نظریه‌ی سیستمی را معرفی می‌کنیم و در قسمت دوم به مطالعه‌ی تجارت خارجی ایران با کمپانی هند شرقی انگلستان و نتایج آن می‌پردازیم.

۲. تئوری سیستمی

در جامعه‌شناسی، منظور از «سیستم»، توصیف گروهی از پدیده‌های وابسته به هم است که به انجام کار، وظیفه یا دستیابی به هدفی مشترک کمک می‌کنند. سیستم‌های پیچیده در درون خود خرده‌سیستم‌هایی دارند که به‌طور مستقل، در جهت هدف کلی نظام بزرگ‌تر عمل می‌کنند. در درون خرده‌سیستم‌ها، «اجزای سیستم» وجود دارند که با یکدیگر دارای کنش متقابل هستند و وابسته به هم هستند. کنش متقابل به این معنی است که سیستم‌ها هم بر محیط خود تأثیر می‌نهند و هم از آن تأثیر می‌پذیرند.

هر سیستم از اجزایی تشکیل شده است و هر جزء نقش خاصی را برای تحقق هدف سیستم، دنبال می‌کند:

داده (درون‌داد): داده هر چیزی است که به‌نحوی وارد سیستم می‌شود و فعالیت سیستم را امکان‌پذیر می‌سازد (رثوفی، ۱۳۸۱: ۱۰۶). بدون ورود داده‌ها، ادامه‌ی فعالیت سیستم ممکن نیست. در نظام تجاری ایران عصر زند، داده‌ها عبارت‌اند از: نیروی انسانی، کالا و سرمایه.

فرآیند: فرآیند جریان عملیات یک سیستم است که روی داده صورت می‌گیرد و بر ارزش و سودمندی آن‌ها می‌افزاید (علاقه‌بند، ۱۳۷۴: ۱۲۴).

ستاده (برون‌داد): چیزهایی که یک سیستم به محیط یا سیستم‌های مجاور خود صادر می‌کند یا چیزی که یک سیستم با هدف قبلی (طبق انتظار) و یا اتفاقی (غیر منتظره) تولید می‌کند، ستاده نام دارند (همان: ۱۲۴).

بازخور: بازخور کسب اطلاعات درمورد عملکرد خود است. در این فرآیند، بخشی از ستاده‌ها به‌عنوان اطلاعات به درون‌داد بازخورانده می‌شوند و سیستم را خودکنترل می‌سازند (برتالنفی، ۱۳۷۰: ۵۱).

محیط سیستم: سیستم از عوامل محیطی تأثیر می‌پذیرد و بر آن اثر می‌گذارد؛ به سخن دیگر، سیستم و عوامل محیطی (عوامل طبیعی، فرهنگی، ایدئولوژیکی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ...) بر هم کنش و واکنش متقابل دارند. محیط سیستم شامل همه‌ی متغیرهایی است که می‌توانند در وضع سیستم مؤثر باشند یا از سیستم تأثیر بپذیرند.

در نگرش سیستمی، همه‌ی پدیده‌های موجود در طبیعت و اجتماع مرتبط با هم و مؤثر بر یکدیگر هستند و روابط پایدار آن‌ها قانون‌مند تلقی می‌شود. هر پدیده علاوه‌بر اینکه نسبت به عناصر خود، سیستم محسوب می‌شود، نسبت به سیستم‌های بزرگ‌تر، یک «زیرسیستم» قلمداد می‌گردد (گلابی، ۱۳۶۹: ۱۶). جوامع انسانی از این دیدگاه، سیستم‌هایی باز هستند که خواصی چون سلسله‌مراتب، نظام، قانونمندی و پویایی دارند. به ارتباط میان افراد یک جامعه و کل جامعه، به‌عنوان ساخت عمقی یک سیستم، «سلسله‌مراتب» می‌گویند. نظام سیستمی انسان و جوامع انسانی نیز از پوییش و تغییر بری نیست. البته تغییر و پوییش انسان‌ها و جوامع انسانی تصادفی نیست و هرگونه تحولی در سیستم‌ها در اثر نیاز سیستم است.

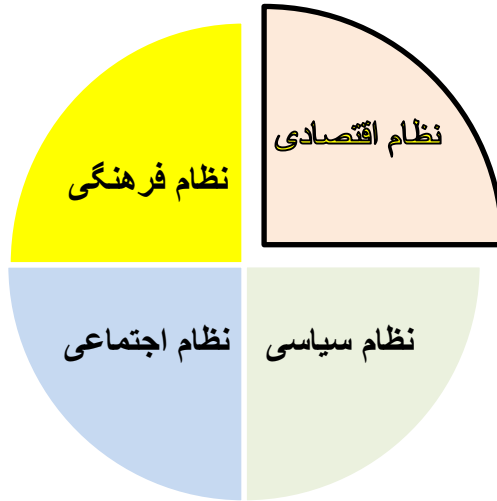
۳. تئوری سیستمی و تجارت ایران با کمپانی هند شرقی انگلیس در دوره‌ی زندیه

در این قسمت از مقاله، می‌کوشیم تجارت ایران با کمپانی هند شرقی انگلیس را در قالب تئوری سیستمی بررسی و اهداف و نتایج آن را مشخص کنیم. در تئوری سیستمی، جامعه به‌عنوان یک نظام اجتماعی کل (سیستم بزرگ) در نظر گرفته می‌شود که چهار نظام کوچک‌تر یا خرده‌نظام دارد. این خرده‌نظام‌ها عبارت‌اند از:

۱. خرده‌نظام اقتصادی که تدارکات لازم را برای حیات جامعه فراهم می‌کند؛
۲. خرده‌نظام اجتماعی یا قوانین و مجریان قوانین که موجب انسجام جامعه می‌شوند؛
۳. خرده‌نظام سیاسی که دستیابی و تحقق اهداف جامعه را برعهده دارد؛
۴. خرده‌نظام فرهنگی یا نظام آموزشی که حفظ الگو و تداوم آن یا به عبارتی، جامعه‌پذیر کردن افراد را برای تداوم وضع موجود برعهده دارد (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۳۱-۱۴۱).

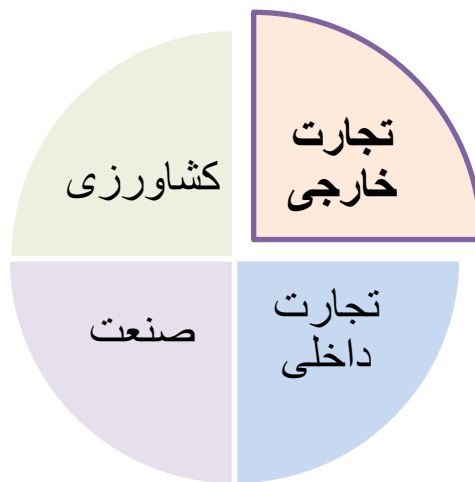
این تقسیم‌بندی در مورد جامعه‌ی ایران در دوره‌ی زندیه را به‌صورت نمودار زیر نشان

داده‌ایم:



شکل ۱: سیستم جامعه‌ی ایران در دوره‌ی زنده

سیستم تجارت ایران در دوره‌ی زنده، بخشی از نظام اقتصادی این دوره است. بخش‌های مختلف سیستم اقتصادی و تجاری ایران در عهد زنده (در اینجا بیشتر بخش تجارت خارجی آن مورد توجه است) در کنش و ارتباط متقابل با هم بودند (شکل ۲).



شکل ۲: سیستم اقتصادی ایران در عصر زنده

با توجه به نمودار بالا، سیستم تجارت خارجی ایران در دوره‌ی زندیه، از لحاظ زیرساخت و تولید کالا، سرمایه، نیروی انسانی ماهر، سیستم حمل و نقل، بازار مصرف و وجود امنیت در کشور با دشواری و کمبودهایی مواجه بود. این کمبودها در رقابت با شرکت‌های اروپایی، بیشتر نمود می‌یافت.

اجزاء و ساختار سیستم تجارت خارجی ایران در این دوره، با توجه به شکل ۳ چنین دسته‌بندی می‌شوند:

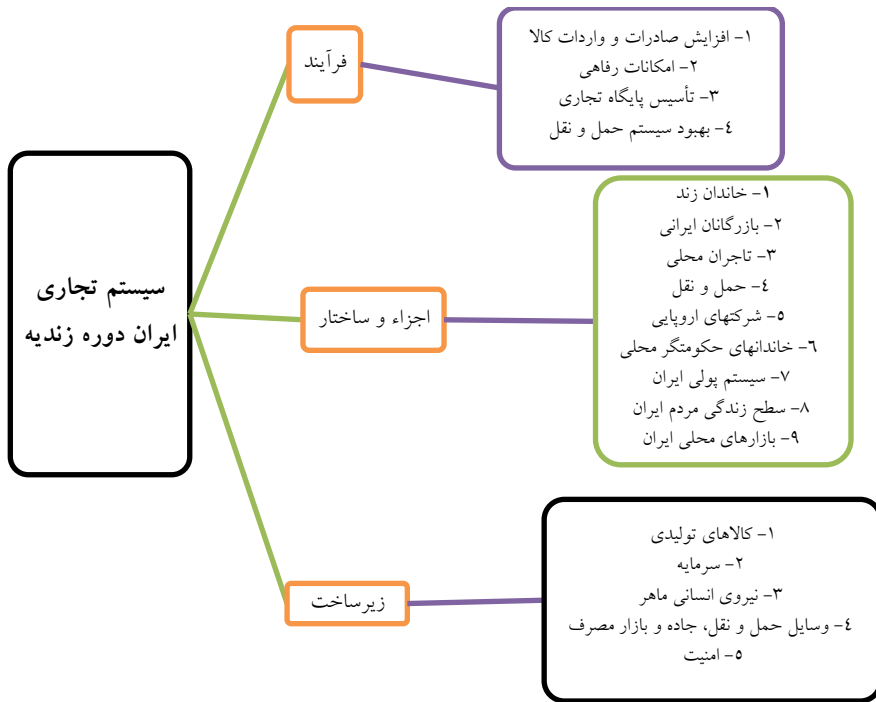
۱. حاکمیت زند که با توجه به تأثیر دولت در تجارت خارجی اهمیت زیادی داشت؛
۲. تاجران ایرانی شاغل در کار واردات و صادرات که با تاجران خارجی مراد شده بودند؛
۳. تاجران محلی که بیشتر در محدوده‌ی ایالات و ولایات مشغول به کار بودند؛
۴. بخش حمل و نقل کالا که قسمت تجارت دریایی آن در اختیار کشتی‌های خارجی و قبیله‌های ساکن در کرانه‌های خلیج فارس بود و در بخش تجارت داخلی ایران و راه‌های زمینی با دشواری‌های زیادی مواجه بود؛
۵. کمپانی هند شرقی انگلیس و کشورهای اروپایی دیگر که با ایران تجارت می‌کردند؛
۶. حاکمان و خاندان‌های محلی، چون میرمهنا بندرریگی، شیخ بوشهر، بنی‌کعب، قواسم و ...؛

۷. سیستم پولی ایران و شرایط مبادله که به دلیل استفاده از سکه‌های طلا و معاملات پایاپای با کندی مواجه بود؛

۸. سطح پایین زندگی مردم ایران از نظر مالی که بر عرضه و تقاضای کالاها تأثیر داشت؛

۹. بازارهای محلی ایران.

در ارتباط و مراد شده میان دو سیستم تجاری ایران و کمپانی هند شرقی انگلیس، اگر ایرانیان می‌توانستند مشکلات ساختار تجاری خود را برطرف کنند، افزایش حجم مبادلات بازرگانی (صادرات و واردات)، بهبود امکانات مورد نیاز تجارت، ایجاد پایگاه تجاری در بنادر ایرانی خلیج فارس، بهبود وضعیت حمل و نقل و راه‌ها و مسیرهای تجاری ایران محقق می‌شد.



شکل ۳: سیستم تجاری ایران در دوره زندیه

تجارت ایران در دوره زندیه از تحرک و پویایی چندانی برخوردار نبود و بیشتر ویژگی‌های یک سیستم ایستا را داشت. این سیستم با سیستم‌های تجاری بزرگ‌تر و توسعه‌یافته‌تر، یعنی تجارت خارجی شرکت انگلیسی و کمپانی‌های تجاری اروپایی فعال در خلیج فارس، روبه‌رو بود. طرفین تجاری ایران از امکانات بهتری، مانند حمل‌ونقل مناسب، کالا و سرمایه‌ی بیشتر، بازارهای متعدد فروش در نقاط مختلف دنیا، اطلاعات و دانش تجاری و ... برخوردار بودند.

حکومت زند و کمپانی انگلیسی در راستای منافع و تأمین نیازهای خود، در پی برقراری روابط با یکدیگر بودند؛ از این رو، در سال ۱۱۷۶ ه. ق (۱۷۶۳ م)، یکی از کارگزاران کمپانی هند شرقی انگلیس به نام ویلیام اندرو پرایس^۱، موافقت‌نامه‌ای تجاری با شیخ سعدون (برادر

1. W.A. Price

شیخ نصر، حاکم بوشهر) امضا کرد که براساس آن انگلیسی‌ها اجازه یافتند در بندر بوشهر به تجارت مشغول شوند. شیخ سعدون برای ترغیب انگلیسی‌ها به امضای قرارداد، حاضر شد ساختمان دفتر نمایندگی کمپانی را به خرج خود احداث کند. پرایس پس از عقد این قرارداد، دورنفرود^۱ را به نمایندگی ازسوی خود به شیراز فرستاد. پس از مذاکراتی چند، کریم خان فرمانی را صادر کرد که به‌موجب آن، انگلیسی‌ها اجازه‌ی تجارت در ایران را گرفتند و قرارداد آنان با شیخ سعدون تأیید شد (سایکس، ۱۳۶۲: ۲/۴۳۸-۴۳۹؛ محمود، ۱۳۵۳: ۱/۵-۸؛ Al-Qāsimi, 1999: 326-328). این قرارداد آغازگر مقطع جدیدی در روابط زندیه با شرکت انگلیسی بود؛ هرچند فعالیت انگلیسی‌ها در بوشهر به‌دلیل بروز اختلافاتی میان کریم خان و شرکت هند شرقی برای سرکوب قبایل شورشی منطقه، از سال ۱۱۸۳ ه.ق (۱۷۶۹ م) تا حدود ده سال متوقف شد (برومند، ۱۳۷۸: ۳۳). برپایه‌ی این قرارداد و اهداف هریک از طرفین در این توافق، روابط تجاری میان ایران و شرکت هند شرقی انگلیس قابل بررسی است.

۴. نتایج رابطه‌ی تجاری با انگلستان برای ایران

تجارت میان دو سیستم تجاری (ایران عهد زندیه و انگلیس) با ویژگی‌های خاص هریک، نتایج متفاوتی داشت. اگر تجارت ایران را با انگلیسی‌ها به‌عنوان داده در نظر بگیریم، برای اقتصاد ایران نتایج و بازده‌های مختلفی داشت که می‌توانیم آن‌ها را به دو بخش داده‌های مثبت و منفی تقسیم کنیم:

۴-۱. نتایج مثبت تجارت با انگلیسی‌ها برای ایران

نتایج مثبت ایران از تجارت با انگلیسی‌ها را در دو بخش اقتصادی و سیاسی بررسی می‌کنیم:

۱-۱-۴. نتایج اقتصادی

۱. رونق بخشیدن به تجارت خارجی ایران، تأمین نیازها از طریق کالاهایی که کمپانی به ایران وارد می‌کرد و صدور کالاهای ایرانی به خارج از کشور: دولت زند کشتی کافی برای تجارت در خلیج فارس و دریای عمان نداشت؛ از این رو، به کمک کمپانی انگلیسی می‌توانست تا حدی این نقیصه را جبران کند. از سوی دیگر، کریم خان با گنجاندن ماده‌ای در قرارداد که انگلیسی‌ها را ملزم می‌کرد بخشی از بهای کالاهای خود را به صورت خرید کالا از ایران دریافت کنند، می‌کوشید صادرات ایران را افزایش دهد. این کار به افزایش تولید داخلی ایران، به ویژه کالاهای مورد توجه اروپاییان، چون ابریشم و کرک، منجر می‌شد (محمود، ۱۳۵۳: ۸/۱؛ امین، ۱۳۶۷: ۱۵۸). دولت زند برای احیای اقتصاد کشور، تسهیلاتی نیز در شیراز ایجاد کرد و درازای مبلغ اندکی اجاره‌ی ماهیانه، بازار و کاروانسرا در اختیار بازرگانان و خرده‌فروشان قرار داد (فرانکلین، ۱۳۵۸: ۵۸-۵۹). بنابر نوشته‌ی نیبور که در سال ۱۱۷۸ ه.ق (۱۷۶۵ م) از بوشهر دیدار کرده است، کمپانی هند شرقی انگلیس کالاهایی مانند پارچه‌های اروپایی و اجناس هندی را از سورات و بنگال به بوشهر می‌فرستاد و از بوشهر کالاهایی چون پارچه‌های ابریشمی یزد و کاشان، ابریشم خام گیلان، فرش، ریواس و سایر موارد دارویی ایران، پنبه، انواع میوه، گلاب و شراب شیراز صادر می‌کرد (نیبور، ۱۳۵۴: ۳۹). در پی توافق دولت زندیه و انگلیسی‌ها، تجارت در بوشهر رونق یافت و در فاصله‌ی سال‌های ۱۱۷۷ تا ۱۱۸۰ ه.ق (۱۷۶۴ تا ۱۷۶۷ م)، سالانه ۷۵۰ عدل پشم از بوشهر به خارج صادر می‌شد و صادرات ابریشم نیز احیا شده بود (پری، ۱۳۶۵: ۳۶۶).

۲. جلوگیری از تجارت کمپانی هند شرقی انگلیس با برخی حکام محلی در سواحل جنوبی ایران (میرمهنا و ملاعلی شاه): از این راه، عایدات این حکام محلی که از خان زند اطاعت نمی‌کردند، کاهش می‌یافت و در تنگنا قرار می‌گرفتند (نیبور، ۱۳۵۴: ۴۰-۴۱، ۱۷۰-۱۷۱).

۳. صادرات مجدد برخی کالاهای وارداتی به کشورهای همسایه و کسب درآمد برای ایران: پارچه و محصولات اروپایی و هندی به وسیله‌ی بازرگانان ایرانی خریداری و به کشورهای روسیه و عثمانی صادر می‌شد (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۸۱).

۴. توجه به ایجاد مرکز تجاری خلیج فارس در یکی از بنادر جنوبی ایران (بندر بوشهر) و دادن تسهیلات و امتیازاتی به انگلیسی‌ها (جونز، ۱۳۵۳: ۱۰-۱۱؛ ویلسن، ۱۳۴۸: ۱۹۹؛ Parsons, 1808: 185).

۲-۱-۴. نتایج سیاسی

۱. برقراری ارتباط مستقیم حکومت زند با انگلیسی‌ها: دولت زند به دلیل نداشتن نیروی دریایی، نمی‌توانست سلطه‌ی خود را در سواحل جنوبی و جزایر ایرانی خلیج فارس اعمال کند. برای رفع مشکل، کریم خان درصدد ارتباط و همکاری با قدرت‌های خارجی حاضر در خلیج فارس برآمد و سعی کرد هر نوع ارتباط و همکاری با آن‌ها از طریق دولت زند صورت گیرد؛ زیرا اقدام خودسرانه‌ی برخی حکام در کرانه‌های جنوبی ایران در دعوت بیگانگان به تجارت و استقرار در خاک ایران، به منزله‌ی اعلام استقلال و عدم اطاعت از دولت مرکزی ایران بود. اگر دولت زندیه در چنین قراردادهایی دخالت نمی‌کرد، نمی‌توانست سیاست‌های خود را در خلیج فارس پیاده کند و برای تأمین منافع سیاسی و تجاری خود اقدامی نماید؛ برای نمونه، حاکمانی چون میرمهنا، نصیر خان لاری و ملاعلی شاه بیشتر به فکر حفظ استقلال خود در برابر دولت مرکزی ایران بودند و حاضر نمی‌شدند مجری برنامه‌ها و سیاست‌های دولت زند شوند.

۲. استفاده از همکاری کشتی‌های جنگی انگلیسی برای سرکوب شورش‌ها: هدف دیگری که در قرارداد حاکم بوشهر با پرایس، نماینده‌ی کمپانی هند شرقی انگلیس گنجانده شده بود، استفاده‌ی دولت زند از توان نیروی دریایی انگلیس برای سرکوب شورش قبایل و حکام در سواحل خلیج فارس بود (سایکس، ۱۳۶۲: ۲/۴۳۸-۴۳۹؛ محمود، ۱۳۵۳: ۱/۵-۸)؛ به عبارت دیگر، وقتی کمپانی هند شرقی با دولت زند قرارداد می‌بست، موجب اشتراک منافع آنان می‌شد؛ زیرا ثبات و موقعیت مستحکم دولت زند و ایجاد آرامش در ایران می‌توانست به افزایش درآمد کمپانی از تجارت با ایران منجر شود. دولت زند امیدوار بود در مواقعی که همکاری کشتی‌های انگلیسی برای سرکوب افرادی چون میرمهنا را تقاضا می‌کند، اگر کمپانی انگلیسی به دلیل حفظ منافع خود کشتی زیادی

به کمک این دولت نمی‌فرستاد، با دشمن وی نیز همکاری نکند. همکاری محدود کشتی‌های کمپانی در جریان نبرد نیروهای زند با میرمهنا، در راستای تحقق این هدف حکومت کریم خان بود (ویلسن، ۱۳۴۸: ۲۱۸؛ هدایتی، ۱۳۳۴: ۲۳۳؛ پری، ۱۳۶۵: ۳۶۹). همچنین، صادق خان زند از جرویس^۱، فرستاده‌ی شرکت انگلیسی، خواست که کمپانی یک کشتی جنگی برای گشت‌زنی در شمال خلیج فارس نگه دارد و سالانه مبلغ ۲۲ هزار روپیه از محل درآمدهای مالیاتی و بندری دریافت کند (Al-Qāsimi, 1999: 175).

۳. احتیاط کریم خان در ایجاد رابطه با انگلیسی‌ها: کریم خان به احتمال دخالت انگلیسی‌ها در امور ایران توجه داشت؛ بنابراین، می‌کوشید در قرارداد سال ۱۱۷۶ ه.ق (۱۷۶۳ م) با نماینده‌ی کمپانی هند شرقی انگلیس، راه این دخالت را ببندد. در قرارداد آمده بود که انگلیسی‌ها نباید به دشمنان شاه ایران پناه بدهند (سایکس، ۱۳۶۲: ۴۳۸-۴۳۹)؛ محمود، ۱۳۵۳: ۱/ ۵-۸). کریم خان که تاحدودی از سیاست و اقدامات انگلیسی‌ها در هند آگاهی یافته بود، می‌کوشید جلوی اقدامات احتمالی انگلیس را در ایران بگیرد و مانع شورش احتمالی برخی حکام و خاندان‌های محلی کرانه‌های خلیج فارس با حمایت انگلیسی‌ها علیه دولت زند شود. در رستم‌التواریخ آمده است:

«[انگلیسی‌ها] می‌خواهند به‌ریشخند و لطایف‌الحیل پادشاهی ایران را مالک و متصرف گردند، چنانکه ممالک هندوستان را به خدعه و مکر و تزویر و نیرنگ و حيله و دستان به چنگ آورده‌اند [...]» (آصف، ۱۳۵۲: ۳۸۳).

۲-۴. نتایج منفی تجارت با انگلیسی‌ها برای ایران

۱. خروج سکه‌های طلا از ایران (به‌دلیل تراز منفی تجارت با انگلیسی‌ها): کمپانی هند شرقی انگلیس در معامله با تاجران ایرانی پول نقد دریافت می‌کرد. کریم خان که این کار را موجب خروج پول و فقیر شدن مملکت و به زیان کشور می‌دانست، برای مقابله با این مشکل و جلوگیری از خروج سکه‌های طلا، چاره‌ای اندیشید و طی فرمانی در سال

۱۱۸۳ ه. ق (۱۷۶۹ م)، خروج پول طلا از کشور و تجارت با خارجیان به وسیله‌ی پول طلا را ممنوع کرد:

«تجار انگلیس از امتعه‌ی ایران هر چه ممکن است ابتیاع کنند و در عوض امتعه‌ی خود ببرند و پول نقد نگیرند، چه خروج زر و نقره‌ی مملکت اسباب فقر می‌شود و عاقبت مضر تجارت است» (غفاری کاشانی، ۱۴۰۴: ۴۲۲؛ فرامرزی، ۱۳۴۶: ۹).

پس از این اقدام که برای مقابله با کمبود پول نقد در ایران صورت گرفت، تجارت کشور اندکی رو به بهبودی نهاد.

برخلاف دوره‌ی کریم خان که محدودیت‌هایی نظیر الزام تجار انگلیسی به خرید کالاهای ایرانی درازای وجه مال‌التجاره‌ی خود وجود داشت، در زمان جعفر خان زند، این محدودیت‌ها برداشته شد (محمود، ۱۳۵۳: ۱/ ۹-۱۰؛ ۳۸۷: Al-Qāsimi, 1999). جعفر خان می‌کوشید حتی با دادن امتیازات تازه، کمپانی انگلیسی را به تجارت با ایران ترغیب کند؛ زیرا شرایط داخلی ایران به گونه‌ای بود که تجار خارجی تمایلی به تجارت با این کشور در گیر بحران داخلی نشان نمی‌دادند. جعفر خان لازم می‌دید که بار دیگر انگلیسی‌ها را به گسترش تجارت با ایران تشویق کند تا شاید از این طریق بخشی از مشکلات روبه‌فزونی دولت زند را کاهش دهد. نتیجه‌ی آزادی تجار در خروج بهای کالاهای خود به صورت پول نقد از کشور، دچار شدن ایران با کمبود پول بود. صادرات ایران درازای واردات کالا کاهش یافت؛ به گونه‌ای که از سال ۱۲۰۵ تا ۱۲۰۶ ه. ق (۱۷۹۰ م)، ۹۰ درصد بهای کالاهای وارد شده از هند، به صورت نقدی پرداخت می‌شد (لوریمر، ۱۳۷۹: ۶۳).

۲. خروج مرکزیت تجاری خلیج فارس از خاک ایران: اوضاع ناآرام داخلی ایران و درگیری بین مدعیان قدرت پس از سقوط صفویه و حمله‌ی کشتی‌های فرانسوی به تأسیسات انگلیسی‌ها در بندرعباس در سال ۱۱۷۳ ه. ق (۱۷۵۹ م)، موجب شد آن‌ها به فکر یافتن مرکز تجاری خلیج فارس در خارج از خاک ایران باشند (وادالا، ۱۳۵۶: ۴۷؛ ویلسن، ۱۳۴۸: ۲۰۷)؛ از این رو، بندر بصره مورد توجه قرار گرفت. کریم خان برای بازگرداندن این مرکز به خاک ایران، امتیازاتی به انگلیسی‌ها داد و حتی به تصرف بصره پرداخت (هدایتی،

۱۳۳۴: ۲۳۳؛ رجبی، ۱۳۵۲: ۲۲۴). گذشت زمان نشان داد که مرکزیت تجاری خلیج فارس در خاک ایران برای این کشور اهمیت زیادی دارد و نقش زیادی در رونق تجارت خواهد داشت؛ چنانکه امروزه بندر دُبی در کشور امارات متحده‌ی عربی این نقش را از آن خود کرده است.

۳. معافیت مالیاتی تجار انگلیسی و تضعیف تجار ایرانی: واردات کالاهای خارجی که به تدریج بیشتر می‌شد، توان رقابت را از کالاهای مشابه داخلی (پارچه و ظروف) می‌گرفت و آن‌ها را به ورشکستگی می‌کشاند. براساس ماده‌ی دوم قرارداد کریم خان زند با انگلیسی‌ها، نباید از مال‌التجاره‌هایی که در بوشهر یا جاهای دیگر صادر یا وارد می‌شد، حقوق گمرکی گرفته می‌شد (محمود، ۱۳۵۳: ۶/۱؛ Al-Qāsimi, 1999: 327- 328). این امتیاز باعث موقعیت بهتر تجار انگلیسی نسبت به تجار ایرانی می‌شد؛ زیرا بازرگانان ایرانی مجبور بودند عوارض و مالیاتی به دولت زند پردازند که میزان آن گاهی به پنجاه درصد قیمت کالا می‌رسید (امین، ۱۳۶۷: ۹۴). به این ترتیب، کالاهایی که توسط تجار انگلیسی به ایران وارد می‌شدند بسیار ارزان‌تر از کالاهایی بودند که به وسیله‌ی تجار ایرانی به کشور وارد می‌شدند و درعمل تجار ایرانی نمی‌توانستند با تاجران انگلیسی رقابت کنند و بازار واردات و صادرات ایران به دست بازرگانان وابسته به کمپانی هند شرقی و تجار انگلیسی دیگر می‌افتاد. معافیت گمرکی بازرگانان انگلیسی سبب کاهش عایدات حکام محلی و بروز اختلاف میان این حکام و دولت زندیه نیز می‌شد.

۵. نتایج رابطه‌ی تجاری با ایران برای انگلیسی‌ها

اجرای قرارداد سال ۱۷۶۶ ه.ق (۱۷۶۳ م) میان حکومت زند و کمپانی هند شرقی انگلیس، می‌توانست نتایج زیر را برای انگلیسی‌ها دربر داشته باشد:

۱. داشتن پایگاهی در سواحل ایران: انگلیسی‌ها برای ادامه‌ی مؤثر فعالیت تجاری خود در منطقه، از سواحل ایران به‌عنوان پایگاه استفاده می‌کردند.
۲. رهایی از پرداخت عوارض گمرکی: این معافیت‌های گمرکی موجب می‌شد کالاهایی که به وسیله‌ی کمپانی انگلیسی از ایران خارج یا به ایران وارد

می‌شدند، ارزان‌تر از کالاهایی باشند که توسط تجار دیگر به ایران وارد یا خارج می‌شدند. در زمان اجرای قرارداد، تجار انگلیسی از این معافیت‌ها برخوردار می‌شدند.

۳. انحصار تجارت پارچه‌های پشمی با ایران: نتیجه‌ی این انحصار از میدان خارج کردن رقبای انگلستان، گسترش نفوذ انگلیسی‌ها در ایران و قبضه کردن بازار ایران بود. در سال‌های اجرای قرارداد (۱۱۷۶-۱۱۸۳ ه.ق/ ۱۷۶۳-۱۷۶۹ م) و تا پیش از تعطیلی دفتر تجاری انگلیسی‌ها، هیچ کالای اروپایی جز کالاهای انگلیسی در بوشهر دیده نمی‌شد (سیوری و کلی، ۱۳۷۷: ۱۱۶).

۴. جلب حمایت و مساعدت دولت زند در تأدیه‌ی مطالبات کمپانی و بازگرداندن فراریان: یکی از دشواری‌های پیش‌روی شرکت‌های اروپایی در ایران پس از سقوط صفویان، ناتوانی از پس گرفتن مطالبات خود از حکومت مرکزی ایران یا تجار محلی بود. برای رفع این مشکل در ماده‌ی چهارم قرارداد ۱۱۷۶ ه.ق/ ۱۷۶۳ م شرکت هند شرقی انگلیس با کریم خان زند آمده بود: «قروض بازرگانان انگلیس و دیگران بایستی پرداخت شود» (محمود: ۱۳۵۳: ۵/۱). به استناد این ماده، انگلیسی‌ها امیدوار بودند مطالبات خود را در ایران پس بگیرند. همچنین، براساس ماده‌ی نهم این قرارداد، حکومت زند موظف به تسلیم کردن سربازان یا ملاحان فراری به کمپانی انگلیسی بود.

۵. تأمین امنیت تجارت‌خانه‌ی کمپانی هند شرقی انگلیس: نمایندگی کمپانی در بندرعباس در برابر تهاجم فرانسویان آسیب‌پذیر به نظر می‌رسید (پری، ۱۳۶۵: ۳۶۳). دفتر نمایندگی کمپانی در بندرریگ، توسط میرمهنا ویران شد؛ ولی در بوشهر انگلیسی‌ها توان دفاعی داشتند؛ زیرا اجازه‌ی نگهداری توپ به آنان داده شده بود (سایکس، ۱۳۶۲: ۲/۴۳۸-۴۳۹؛ محمود، ۱۳۵۳: ۵/۱-۸).

۶. مقابله با رقبای کمپانی هند شرقی انگلیس، به‌ویژه هلندیان: در شرایطی که کمپانی انگلیسی بندرعباس را ترک کرده و در بصره مستقر شده بود، هلندیان جزیره‌ی خارک را در اختیار داشتند و می‌توانستند با ایران ارتباط

تجاری داشته باشند. همچنین، آنان می‌توانستند با استفاده از موقعیت این جزیره، در تجارت کمپانی هند شرقی انگلیس در بصره اختلال ایجاد کنند؛ در نتیجه، انگلیسی‌ها نیازمند پایگاهی در ایران بودند و بوشهر از این لحاظ جای مناسبی بود.

۷. لزوم همکاری انگلیس و ایران برای ایجاد امنیت و رونق تجارت در خلیج فارس: انگلیسی‌ها به خوبی می‌دانستند که در صورت دشمنی دولت ایران، تجارت و منافع آنان در خلیج فارس به‌طور جدی تهدید خواهد شد و همکاری این دو، در برقراری امنیت در خلیج فارس و تسهیل در امر تجارت ضروری به نظر می‌رسید. انگلیسی‌ها با بستن قرارداد ۱۷۶۳ ه. ق (۱۷۶۳ م)، می‌کوشیدند با ایران برای رسیدن به این هدف دوستی برقرار کنند.

۸. لزوم ایفای نقشی مؤثرتر در خلیج فارس: انگلستان پس از غلبه بر فرانسه در جنگ‌های هفت‌ساله و کنار زدن رقبا در هند، صاحب موقعیت بهتری شد. با تثبیت موقعیت کمپانی هند شرقی انگلیس در هندوستان، این کمپانی می‌توانست بخشی از نیرو و امکانات خود را برای ایفای نقشی مؤثر در خلیج فارس و دفاع از منافع تجاری خود به کار گیرد.

۶. نتیجه‌گیری

کریم خان زند می‌خواست از راه مراوده با کمپانی هند شرقی انگلیس، تجارت خارجی ایران را از رکود خارج کند و با رونق تجارت خارجی، به افزایش تولید داخلی و احیای اقتصاد ایران امیدوار باشد. با نظارت دولت و حکام متحد زند بر بندر بوشهر، به‌عنوان کانون تجارت خارجی ایران در این دوره، مخالفان حکومت کریم خان در کرانه‌های خلیج فارس از نظر اقتصادی در تنگنا قرار گرفتند؛ به‌گونه‌ای که برخی ناگزیر شدند که از دولت مرکزی اطاعت کنند. با گذشت زمان و عدم همکاری مؤثر انگلیسی‌ها در سرکوب شورشیانی چون میرمهنا، خوش‌بینی کریم خان نسبت به اعمال حاکمیت ایران بر بنادر و جزایر خلیج فارس به کمک انگلیسی‌ها، به بدبینی تبدیل شد؛ تا جایی که در مواردی از

پذیرش نمایندگان شرکت هند شرقی انگلیس در دربار خود سرباز زد. با توجه به آگاهی زندیه از توان نظامی و اقتصادی و سیاست‌های مبتنی بر منافع تجاری انگلیسی‌ها و بدبینی و احتیاط کریم خان در رابطه با انگلیسی‌ها، منطقی به نظر می‌رسد که نفوذ آنان در منطقه به حدی نباشد که حاکمیت ایران را به چالش بکشد.

انگلیسی‌ها نیز می‌خواستند از راه تجارت با ایران، از پرداخت عوارض گمرکی معاف شوند و در کرانه‌های خلیج فارس پایگاه تجاری داشته باشند که در توافق با حاکم بوشهر برای مدتی به این خواسته رسیدند. شرکت هند شرقی انگلیس تجارت پارچه‌های پشمی را در ایران در انحصار گرفت و رقیبان دیگر، به‌ویژه هلندی‌ها را از میدان به‌در کرد. همکاری تجاری با ایران نیز تا حدودی مراکز بازرگانی آنان را در خاک ایران از حملات گروه‌های مسلح و زیاده‌خواهی حاکمان محلی در امان نگه داشت.

با توجه به گفته‌های بالا، این فرضیه که «ایران دوره‌ی زند می‌کوشید از طریق روابط تجاری با کمپانی هند شرقی انگلیس، موقعیت سیاسی حکومت خود را تثبیت و زمینه‌ی رشد تجارت را فراهم کند و کمپانی هند شرقی انگلیس نیز امیدوار بود از راه این رابطه امنیت تجارت خود در خلیج فارس را تضمین کند و انحصار تجارت خلیج فارس را به‌دست گیرد»، ثابت می‌شود؛ هرچند عدم ثبات سیاسی و آشوب‌های داخلی ایران مانع دستیابی حکومت زند به این هدف شد و فقط در برهه‌ای از دوره‌ی حکومت کریم خان، این مقصود حاصل شد.

منابع

- امین، عبدالامیر. (۱۳۶۷). *منافع انگلیسی‌ها در خلیج فارس*. ترجمه‌ی علی میرسعید قاضی. تهران: زرین.
- اولیویه، جی. آ. (۱۳۷۱). *سفرنامه‌ی اولیویه*. ترجمه‌ی محمدطاهر میرزا. تصحیح غلامرضا وهرام. تهران: اطلاعات.
- آصف، محمدهاشم (رستم‌الحکما). (۱۳۵۲). *رستم‌التواریخ*. چاپ محمد مشیری. تهران: امیرکبیر.

- برتالنی، لودویگ فون. (۱۳۷۰). **نظریه‌ی عمومی سیستم‌ها**. ترجمه‌ی کیومرث پریانی. تهران: تندر.
- برومند، صفورا. (۱۳۷۸). «سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر ۱۱۷۷-۱۳۳۲ه.ق/۱۷۶۳-۱۹۱۴م». **فصلنامه‌ی تاریخ روابط خارجی**. س ۱. ش ۱. صص ۳۱-۴۸.
- پری، جان. ر. (۱۳۶۵). **کریم خان زند**. ترجمه‌ی علی محمد ساکی. تهران: فراز.
- جونز، سرهارفورد. (۱۳۵۳). **آخرین روزهای لطفعلی خان زند**. ترجمه‌ی هما ناطق و جان گرنی. تهران: امیرکبیر.
- رجبی، پرویز. (۱۳۵۲). **کریم خان زند و زمان او**. تهران: گروه فرهنگی مرجان.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). **نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- رئوفی، محمدحسین. (۱۳۸۱). **مدیریت عمومی و آموزشی**. مشهد: روانمهر.
- سایکس، سرپرسی. (۱۳۶۲). **تاریخ ایران**. ترجمه‌ی سید محمدتقی فخرداعی گیلانی. ج ۲. تهران: علمی.
- سیوری، راجر و کلی، جی.بی. (۱۳۷۷). **خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن ۱۸ میلادی**. ترجمه‌ی حسن زنگنه. قم: همسایه.
- غفاری کاشانی، قاضی احمد. (۱۴۰۴). **تاریخ نگارستان**. تصحیح، مقدمه و تدبیل آقا مرتضی مدرس گیلانی. تهران: حافظ.
- فرامرزی، احمد. (۱۳۴۶). **کریم خان زند و خلیج فارس**. چاپ حسن فرامرزی. تهران: ابن سینا.
- فرانکلین، ویلیام. (۱۳۵۸). **مشاهدات سفر از بنگال به ایران**. ترجمه‌ی محسن جاویدان. تهران: مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی.
- گلابی، سیاوش. (۱۳۶۹). **توسعه‌ی منابع انسانی ایران: جامعه‌شناسی توسعه‌ی ایران**. تهران: فردوس.
- لوریمر، جان گوردن. (۱۳۷۹). **راهنمای خلیج فارس، تاریخ و جغرافیای استان بوشهر**. ترجمه‌ی سید حسن نبوی. شیراز: نوید.
- محمود، محمود. (۱۳۵۳). **تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹**. ج ۱. تهران: اقبال.

- نیبور، کارستن. (۱۳۵۴). *سفرنامه‌ی نیبور*. ترجمه‌ی پرویز رجیبی. تهران: توکا.
- وادالا، ر. (۱۳۵۶). *خلیج فارس در عصر استعمار*. ترجمه‌ی شفیع جوادی. تهران: کتاب سحاب.
- ویلسن، آرنولد. (۱۳۴۸). *خلیج فارس*. ترجمه‌ی محمد سعیدی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- هدایتی، هادی. (۱۳۳۴). *تاریخ زندیه*. تهران: دانشگاه تهران.
- Al-Qāsimī, Sultān ibn Muḥammad. (1999). *Power Struggles and Trade in the Gulf: 1620-1820*. Great Britain: Forest Row.
- Parsons, Abraham. (1808). *Travels in Asia and Africa*. London: Longman.